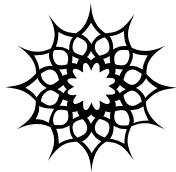


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی

سنجش احساس طرد اجتماعی دانشجویان دانشگاه های شهر زنجان

استاد راهنما :

دکتر محمدسالار کسرای

استاد مشاور :

دکتر سیدآیت اله میرزایی

پژوهشگر :

صونا احدیان

آبان ماه ۱۳۹۶

چکیده

پژوهش حاضر، کوششی است که با هدف شناخت احساس طرد دانشجویان در رابطه با متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، قومیت و احساس تعلق قومی و ارزیابی سیاست های دولتی، به انجام رسیده است. پرداختن به مسائل جوانان در سطح کشورهایی نظیر ایران، به سبب قرار داشتن جوانان در کانون تحولات و برنامه ریزی ها، ضروری به نظر می رسد. از این رو به مدد روش پهنانگر پیمایش و بهره گیری از ابزار پرسشنامه جهت سنجش متغیرها، پس از مرور رویکردهای نظری طرد اجتماعی و توضیح سطوح طرد اجتماعی، تدوین چارچوب و مدل نظری، از میان دانشجویان دانشگاه های سراسری و آزاد، نمونه گیری انجام داده و پس از انتخاب ۳۲۵ نفر از دانشجویان، نتایج را به کمک آمار توصیفی و آزمونهای همگنی واریانس لون، آزمون اف، ضریب همبستگی، آزمون تی و مقایسه ی جفتی مورد مطالعه قرار دادیم. نتایج بدست آمده حاکی از رابطه ی معنادار و مستقیم میان احساس طرد اجتماعی و احساس تعلق قومی و همچنین احساس طرد اجتماعی و ارزیابی سیاست های دولتی توسط پاسخگویان بود، به عبارت دیگر دانشجویانی که احساس طرد بیشتری را تجربه می کردند، احساس تعلق قومی بیشتر و همچنین برداشت منفی نسبت به سیاست های دولت داشتند.

کلیدواژه ها: احساس طرد اجتماعی - پایگاه اقتصادی - سیاستگذاری - تعلق قومی - قومیت

فهرست مطالب:

فصل اول: مساله ی پژوهش

۲	طرح مساله.....
۴	ضرورت و اهمیت.....
۴	سوال ها.....
۴	اهداف.....

فصل دوم پیشینه پژوهش

۷	پیشینه ی پژوهش.....
۷	پایان نامه ها
۱۰	طرح های پژوهشی.....
۱۰	کتاب ها
۱۱	مقالات.....
۱۵	پیشینه ی خارج از کشور
۳۰	ادبیات نظری.....
۳۲	مفهوم شناسی طرد اجتماعی.....
۳۷	تعریف مفاهیم به کار رفته در تحقیق.....
۳۹	پیشینه نظری.....
۳۹	دورکیم.....
۴۰	مارکس
۴۱	وبر

۴۲	زیمل
۴۴	پارکین
۴۵	سینزیگر
۴۵	گیدنز
۴۶	زیبرا
۴۷	لویتاس
۴۹	سیلور
۵۱	گرانووتر
۵۳	نارایان
۵۴	پاتنام
۵۵	بورديو
۵۷	وسلز و میدیما
۵۹	بوچارت
۶۰	چارچوب نظری تحقیق
۶۲	مدل نظری تحقیق
۶۴	فرضیه های تحقیق

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۶۶	روش پژوهش
۶۶	ابزار سنجش
۶۷	اعتبار و پایای پژوهش

۶۷ قلمرو پژوهش
۶۷ نحوه ی گردآوری اطلاعات
۶۸ جمعیت آماری
۶۸ روش نمونه گیری
۶۹ چارچوب نمونه گیری
۷۰ نمونه ی آماری
۷۰ واحد نمونه
۷۰ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۷۱ تعریف عملیاتی مفاهیم

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۷۶ بررسی تجربی
۷۶ آمار توصیفی
۱۴۱ آمار تحلیلی

فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

۱۵۴ جمع بندی و نتیجه گیری
۱۶۱ فهرست منابع فارسی
۱۶۷ فهرست منابع انگلیسی

فصل اول:

مسأله ی پژوهش

طرح مساله

امروزه محققین مسائل جوانان بر این عقیده اند که با وجود پیشرفت های چشم گیر در زمینه های گوناگون به خصوص در کشور های خاورمیانه، جوانان اینگونه کشورها هنوز در موقعیتی بغرنج به سر می برند، شرایط زندگی رضایت بخش را نداشته و از عدم ادغام اجتماعی رنج می برند زیرا قادر به مشارکت در فعالیت هایی که لازمه ی یک زندگی رضایت بخش است، نیستند (صالحی اصفهانی، ۲۰۰۷). این امر به خصوص در کشور ایران با توجه به بالا بودن میزان جمعیت تحصیل کرده و دانشگاهی نسبت به سایر کشور های منطقه، جدی تر است. مسئله ی طرد اجتماعی و مهم ترین جوانب آن در کشور ایران که شامل عدم دستیابی به آموزش با کیفیت، بیکاری دراز مدت، اشتغال به کارهای غیرمولد (فاقد کیفیت) با درآمد پایین و تاخیر در ازدواج، است، موجب شده جوانان این کشور در موقعیت طرد اجتماعی^۱ قرار بگیرند. از نتایج مخرب این امر، می توان علاوه بر اشتغال آنان به کارهای غیرمولد، بعضاً انواع بزهکاری، خشونت اجتماعی، انحراف به جای شکوفایی و سازندگی و عدم استقلال از خانواده را نام برد. در واقع انتقال از مرحله ی آموزش به اشتغال و همچنین انتقال از مرحله ی اشتغال به تشکیل خانواده ی مستقل، در جوانان ایران به مساله ای بغرنج بدل شده است. از این رو مفهوم طرد اجتماعی می تواند برای مطالعه ی موارد مذکور راه گشا باشد. گر چه از سویی محققان هنوز به اتفاق نظر در مورد تعریف واژه ی طرد نرسیده اند و از سوی دیگر این مفهوم، مفهومی چند بعدی است، با این حال عنصر بنیادی در تعریف آن، رابطه ی فرد با دیگران است؛ به عبارتی دیگر زمانی که فرد به هر شکل از ارتباط با دیگران به دور افتد، مطرود محسوب می شود.

عوامل بسیاری سبب جدایی افراد از گروه و جامعه بزرگتر و به سخن دقیق تر طرد اجتماعی و ترک صحنه رقابت-همکاری اجتماعی و عدم مطالبه حقوق مدنی، اقتصادی و اجتماعی اند. نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از جمله مهمترین عواملی است که قدرت افراد برای نگهداشت روابط سالم و منسجم با جامعه را تحلیل می برد و پیامدهای منفی در حوزه های اقتصاد و اجتماع دارد. طرد اجتماعی با سلب دسترسی برابر به فرصت های آموزشی، اشتغال، سلامت و... باعث فقر اقتصادی و درآمدی و ضعف قابلیت های انسانی و تشدید مسائل اجتماعی می شود؛ به گونه ای که امروزه از سویی آمار طلاق، اعتیاد، تورم، انواع جرم و فاصله طبقاتی رو به فزونی دارد و از سوی دیگر قدرت خرید، روابط همسایگی، سلامت جسمانی و روحی و مسئولیت پذیری اجتماعی رو به کاهش دارد. در همین راستا به وضوح می توان دید شدت و شکل مسائل و آسیب های اجتماعی در افراد و گروه ها متفاوت است و برخی گروه های سنی، جنسی، مذهبی، قومیتی و یا مهاجر

^۱ Social exclusion

بیشتر در لبه پرتگاه آسیب های اجتماعی ناشی از طرد اجتماعی اقتصادی قرار دارند. پس اهمیت گسسته شدن و جدایی افراد و گروه ها از یکدیگر، مساله ای بسیار قابل توجه است به گونه ای که می تواند موجب محرومیت آنها از حقوق انسانی شان شود. در مقابل، ادغام اجتماعی از نیازهای اساسی پیوندهای اجتماعی انسان ها بوده و شمول در فعالیت های جاری جامعه موجب برهمکنش های چندجانبه میان اعضای جامعه می شود که این امر، فضایی برای رقابت و مشارکت فعال ایجاد می کند که به نوبه ی خود، موجب پویایی روحیات افراد جامعه می گردد.

در کشورهایی چون ایران که جوانان در کانون تحولات اجتماعی اقتصادی سیاسی و... قرار دارند، و با توجه به شرایط فوق، حقوق شهروندی آنان دچار ابهام شده است، نیروها و ساختارهایی که به هر نحو زندگی جوانان را به صورت مزمن تحت تاثیر قرار می دهند باید مورد بررسی علمی قرار گیرند. بررسی اینگونه موارد در پرتو ادبیات طرد اجتماعی میسر است که مفهومی کلیدی در مباحثات متاخر بین المللی در بررسی محرومیت های اجتماعی بوده است. لازم به ذکر است که شناخت و رفع دلایلی که موجب طرد جوانان از شبکه های مختلف اجتماعی می شود، می تواند کمک شایانی به کیفیت زندگی آنان نماید. همچنین این مفهوم امکان درک مسائل اجتماعی را فراتر از مفهیمی چون فقر و محرومیت، فراهم می آورد. زیرا تعاریف فقر و محرومیت که تا کنون عموماً اقتصادی بوده اند درک صحیحی از ابعاد زندگی افراد محروم به دست نمی دهند در حالی که با سنجش ابعاد مختلف طرد اجتماعی می توان به شدت این امر در ابعاد زندگی آنان و در نهایت علل عمده ی آن پی برد (قاضی نژاد، ۱۳۹۲).

لازم به اشاره است که مفهوم طرد با پیشرفت و توسعه ی کشورها و اهمیت یافتن سیاست گذاری ها، اهمیت اصلی و تعیین کننده خصوصاً در کشور های توسعه یافته پیدا کرده است. زیرا طرد، منعکس کننده ی اهمیت همکاری و مشارکت در میان افراد جامعه بوده و مشارکت نیز خود بر توانا سازی و زمینه سازی برای حرکت رو به جلو متمرکز است. از این رو با توجه به گسترده بودن فرآیندهایی که طرد اجتماعی آنها را در بر می گیرد، توجه به این مفهوم و به دست آوردن شناخت در مورد آن، جامعه را در توانمند سازی ابعاد مختلف خود یاری خواهد رساند و منجر به بهبود فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خواهد شد.

پس در زمینه ی مسائل جوانان به علت پیدایی تغییرات اساسی در ساختار زندگی اجتماعی و فردی، فقدان برنامه ریزی برای این مرحله از عمر، می تواند منجر به بروز نابه سامانی هایی در جامعه شود. از آنجا که فرآیند طرد و ادغام عامل مهمی در نظم و رفاه جامعه و رفاه و سامان افراد و گروه ها است، تشدید و گسترش آن به هر نحوی موجب از بین رفتن اهداف در زندگی، بی علاقهگی به زندگی، تمایل به انزوا، مشکلات روحی و روانی همچو افسردگی و پیدایی اختلالات شخصیتی خواهد شد که با شناخت مسئله ی طرد، می توان بسیاری از این نابه سامانی ها را هموار نموده و انگیزه لازم برای رقابت در فضایی سالم را به جوانان داد که این امر به نوبه ی خود، شکوفایی و پیشرفت را در پی خواهد داشت. پس با این وجود سنجش طرد خصوصاً در میان جوانان، ضروری می نماید اینکه جوانان ایران تا چه حد و به چه شکل از جامعه ی خود طرد

شده اند، خود می تواند راه گشای حل بسیاری از مسائل پیش روی جامعه باشد. در راستای همین امر، در پی پاسخ به این سوال برآمدم: آیا دانشجویان شهر زنجان، احساس طرد می کنند و اینکه آیا این احساس با متغیرهای مورد نظر در این تحقیق ارتباط دارد؟

ضرورت و اهمیت

از آنجا که طرد جوانان و عدم ادغام آنان در فعالیت های جاری جامعه ممکن است موجب ناهنجاری های اجتماعی گردد و آنان را از مسیر زندگی مطلوب که در واقع حق هر شهروندی است، محروم نماید؛ مطالعه ی احساس طرد و پیامد هایی که این احساس می تواند داشته باشد از قبیل اشتغال به مشاغل کاذب، افسردگی، بزهکاری و... و همچنین عوامل موجد آن، می تواند به بهبود زندگی جوانان که در واقع در مرکز سرمایه گذاری های اجتماعی اقتصادی و سیاسی قرار دارند کمک شایانی بنماید و از بروز ناهنجاری هایی که زندگی دیگر افراد جامعه را مختل می کند، پیشگیری به عمل آورد. در سطوح کلان نیز با عرضه ی بینشی گسترده تر می تواند به بهبود برنامه ریزی های مختلف اجتماعی اقتصادی سیاسی منجر شود و در نهایت در عرصه ی علمی می تواند آگاهی بخش و راه گشا باشد.

سوال ها

قومیت چه رابطه ای با احساس طرد اجتماعی دارد؟

تعلق قومی چه رابطه ای با احساس طرد اجتماعی دارد؟

پایگاه اجتماعی افراد چه رابطه ای با احساس طرد اجتماعی دارد؟

احساس طرد دانشجویان چه رابطه ای با برداشت آنها از سیاست های عمومی دولت، دارد؟

اهداف

هدف کلی

تحقیق حاضر با هدف شناخت احساس طرد اجتماعی جوانان دانشگاه های شهر زنجان و مشخص کردن شدت این احساس در رابطه با متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، قومیت، احساس تعلق قومی و برداشت دانشجویان از سیاست های دولتی

صورت خواهد گرفت و همچنین بر آن است با تکیه بر داده های نظری و داده های حاصل از پیمایش، تصویر روشن تری از احساس طرد و میزان آن در نمونه ی مذکور به دست دهد. بنابراین، اهداف جزئی پژوهش حاضر، به شرح ذیل است:

اهداف جزئی

توضیح مساله ی نظری احساس طرد اجتماعی

نشان دادن وضعیت احساس طرد در دانشجویان شهر زنجان

فصل دوم:

پیشینه ی پژوهش

پیشینه ی پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهشی در رابطه با موضوع طرد، به مقالات و پایان نامه هایی که در گذشته تحت عناوین مختلف و به اشکال متعددی، مفهوم طرد را بررسی کرده اند نیز پرداخته ایم. همچنین از آنجا که مفهوم طرد اجتماعی خصوصا در کشورهایی چون ایران، مناقشه برانگیز بوده و هر یک از تعاریف آن، با مفاهیمی چون محرومیت، انزوا، بیگانگی و... هم پوشانی دارد، لذا به سبب پی گیری عمیق موضوع، درصدد برآمدیم تا پژوهش هایی را که مربوط یا نزدیک به این حوزه است را نیز انتخاب نموده و به بررسی اجمالی آنها پردازیم. لازم به ذکر است که پژوهش های ذکر شده به انحاء مختلف از مفهوم طرد اجتماعی بهره برده اند.

پایان نامه ها

مصطفی پور قاسمی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکز، در سال ۱۳۸۲، در پایان نامه ای با عنوان "بررسی نظری مفهوم بیگانگی اجتماعی و اندازه گیری مصادیق عینی آن بین دانشجویان دانشگاه گیلان" درصدد بررسی رابطه ی این پدیده با برخی متغیر های اقتصادی، اجتماعی و روانی از جمله سن، جنس، رشته ی تحصیلی، پایگاه اجتماعی، شغل والدین، شهری یا روستایی بودن و ... برآمده است و با استفاده از روش های اسنادی و پیمایش و نظریات مکاتب نظم، تضاد و انتقادی پیرامون بیگانگی اجتماعی و نظریه های روانشناسی و روانکاوای درباره ی پدیده ی مزبور، به این نتایج دست یافته است: ۴۴ درصد دانشجویان، احساس محرومیت اجتماعی زیاد و خیلی زیاد دارند ضمن اینکه میزان بیگانگی در بین دختران و پسران، تفاوت معنی داری ندارد.

مجتبی عباسی قادی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، در سال ۱۳۸۳، پایان نامه ای با عنوان "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان" انجام داده اند که تمرکز تحقیق ایشان بر شناخت میزان بیگانگی اجتماعی و عوامل موثر بر بیگانگی در بین جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله ی ساکن شهر تهران بوده است که با روش پیمایش انجام گرفته است. نتایج این تحقیق عبارت بودند از اینکه ریشه های بیگانگی افراد در فردگرایی، نظام بوروکراسی منفی، ابزاری

بودن تعاملات اجتماعی، محدودیت های انتخابی از سوی نظام اجتماعی و نوع طبقات اجتماعی نهفته است و دو عامل محدودیت های انتخابی از طرف نظام و ابزاری بودن تعاملات اجتماعی، بیشترین تاثیر را بر بیگانگی جوانان می گذارند.

مهدی امیرکافی دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت مدرس، در سال ۱۳۸۳، پایان نامه ای با عنوان "طراحی الگوی جامعه شناسی انزوای اجتماعی" در شهر تهران انجام داده اند که تمرکز آن بر بررسی و سنجش انزوای اجتماعی و عوامل موثر بر آن است که با روش پیمایش انجام پذیرفته است. نتایج این تحقیق از این قرار بوده است: متغیر های توسعه ی اقتصادی اجتماعی منطقه، ثبات ساکنین و ناهمگونی در سطح ساختی، اعتماد، امنیت، تعداد گروه ها و هویت ها و درک بی نظمی اجتماعی در سطح فردی، تاثیرات معناداری بر پیوندهای اجتماعی دارند و با گسترش پیوندهای اجتماعی، احساس تنهایی، عجز و یاس اجتماعی کاهش و تحمل اجتماعی افزایش می یابد.

الهام ساوالان پور دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۸۸، در پایان نامه ای تحت عنوان "بررسی رابطه ی بین طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد در میان دانشجویان دختر دانشگاه های شهر تهران" با بهره گیری از تئوری هویت مدار اندرسون میزان آمادگی برای اعتیاد در دانشجویان دختر دانشگاه های تهران را در رابطه با متغیرهای مستقل (محل زندگی، خرده فرهنگ جوانی، رشته ی تحصیلی، محیط دانشگاه و...) و متغیر های واسط (هویت آزار دهنده و فقدان هویت) به روش پیمایش مورد بررسی قرار داده اند. از جمله نتایج قابل توجه این بود که بیشترین میزان آمادگی برای اعتیاد در میان دانشجویان هنر و کمترین میزان این آمادگی در میان دانشجویان علوم انسانی مشاهده شد. همچنین پس از خانه، خوابگاه محیط امنی برای عدم اعتیاد دانشجویان گزارش شد و در عوض خانه های مشترک با دوستان بیشترین آمادگی برای اعتیاد را در دانشجویان ایجاد می کرد.

فاطمه رهنما دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۰، در پایان نامه ای با عنوان "بررسی رابطه ی بین طرد اجتماعی و رضایت از زندگی در بین سالمندان شهر تهران" به روش پیمایش، پس از بررسی نظریات مختلف درباره ی طرد اجتماعی به طور عام و طرد اجتماعی سالمندان به طور خاص، به بررسی رابطه ی آن با رضایت از زندگی در میان افراد بالای شصت سال شهر تهران می پردازد. نهایتاً تحقیق به این نتیجه دست یافت که طرد چه به شکل عینی و تجربه شده و چه به شکل ذهنی و احساس شده اش، سبب کاهش رضایت از زندگی سالمندان می گردد.

مرضیه مشتاقیان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۰، در پایان نامه ای تحت عنوان "ناهماهنگی فرهنگی، طرد و کیفیت زندگی دختران دانشجو در بازگشت به مبدا مهاجرت" که به روش پیمایش انجام گرفته است متغیر مستقل را در ارتباط با سه بعد متغیر وابسته سنجیده است (رضایت از محل زندگی، رضایت کلی و بهزیستی روانی) که رضایت از محل سکونت، در اغلب افراد نمونه، متوسط رو به پایین گزارش شده است. همچنین در نتایج نشان داده شده است که افراد نمونه در تنگنای کمبود فرصت های محل زندگی شان برای ادامه تحصیل قرار دارند.

مروارید طباطبایی قمی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۰، در رشته ی مطالعات زنان در پایان نامه ای با عنوان "بررسی طرد جنسیتی در محیط کار و پیامدهای اجتماعی روانی آن"، در پی فهم این امر است که زن بودن کارمندان، چگونه و تا چه حد باعث طرد آنان می شود و به دنبال آن چه پیامدهای اجتماعی و روانی دارد. در پی پاسخ به این سوالات با بهره گیری از تئوری های آمارتیاسن، گیدنز، هیتلان، چلبی، بووینیک و مارلو تعدادی از زنان شاغل در شهر تهران را به روش سهمیه ای انتخاب و سپس به مدد پیمایش، بررسی خود را انجام داده است. در مجموع تمام پاسخگویان میزان هایی از پیامدهای طرد را به صورت های مختلف در طول حیات شغلی خود حس نموده اند همچنین از نتایج مهم در بررسی های دومتغیره این بود که بین عوامل و شرایط مطرودساز محیط کار و پیامدهای روانی و اجتماعی طرد جنسیتی همبستگی معناداری وجود دارد.

فاطمه امینی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۲، در پایان نامه ای با عنوان "سبک زندگی و میزان انزوای اجتماعی در میان بزرگسالان شهر تهران (۳۰-۴۶ساله)" از طریق نمونه گیری سیستماتیک تصادفی در میان خانوارهای شهر تهران، نهایتاً نشان داده اند که میزان انزوا در خانواده کمتر و در سایر حوزه ها متوسط رو به بالاست همچنین میان سبک زندگی (سنتی و مدرن) و انزوای اجتماعی، رابطه ی معناداری وجود دارد.

لیلا صادقیان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۲، پایان نامه ای تحت عنوان "رابطه ی بین امنیت و طرد اجتماعی در زنان شهر تهران" انجام داده اند که تمرکز تحقیق ایشان بر بررسی امنیت زنان در فضاهای شهری و و رابطه ی آن با رابطه ی بین امنیت و طرد اجتماعی است که در آن ابتدا مقوله ی امنیت از جنبه های مختلف آن مورد واکاوی قرار گرفته است و سپس متغیر طرد به عنوان متغیر وابسته، مد نظر قرار داده شده است. نتایج کلی این تحقیق که به روش پیمایشی انجام گرفته است حاکی از وجود رابطه میان امنیت و طرد اجتماعی است اگرچه این نتایج در حد متوسط، ارزیابی شده است.

افسانه خواجه صالحانی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۲، در پایان نامه ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "محله و احساس طرد اجتماعی و فرهنگی: رابطه ی بین ارزیابی تشخیص محله ای و احساس طرد اجتماعی و فرهنگی در بین جوانان ۳۹-۱۵ ساله ی شهر پاکدشت" به بررسی عوامل موثر بر احساس طرد اجتماعی و فرهنگی میان نمونه ی مذکور با تاکید بر ارزیابی تشخیص محله ای پرداخته است. نتایج این تحقیق که با روش پیمایش انجام گرفت، نشان داد که ارزیابی تشخیص محله ای در ایجاد احساس طرد اجتماعی و فرهنگی جوانان نقش دارد.

لعیا محمدی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۳، در پایان نامه ی با عنوان "طرد اجتماعی و گرایش به انحرافات (مطالعه ی موردی شهرستان اسلامشهر)" به مطالعه ی گرایش به انحرافات در سنین مختلف در هر دو جنس زن و مرد و رابطه ی آن با طرد اجتماعی پرداخته است. متغیر مستقل در این تحقیق به دو شکل طرد از دسترسی به

فرصت های مشروع و دسترسی به فرصت های نامشروع مورد توجه قرار گرفته است؛ که در نهایت بررسی ها حکایت از عدم وجود رابطه ی معنی دار متغیرهای مستقل ذکر شده با متغیر وابسته داشت.

خدیجه مظفری دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۳، در پایان نامه ای تحت عنوان "بررسی طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی (عراقی-افغانی) و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه شهرستان نیشابور)"، با استفاده از روش های کمی و کیفی و تکنیک های مصاحبه و پرسشنامه به بررسی طرد این دسته از زنان پرداخته است که نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که عوامل موثر اجتماعی، مثل احساس داغ ننگ، احساس نابرابری و عوامل مطرودساز در ایجاد مطرودیت این گروه از زنان نقش دارد.

مریم تافته دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)، در سال ۱۳۹۴، در پایان نامه ای با عنوان "منابع مطرودساز، طرد اجتماعی و احساس شادمانی زنان سرپرست خانوار" با بهره گیری از روش اکتشافی و پیمایشی پس از شناسایی منابع مطرودساز اجتماعی در مراحل اکتشافی به این نتیجه رسید که طرد اجتماعی باعث ایجاد بی انصافی اجتماعی در زنان سرپرست خانوار شده و از این طریق بر احساس شادمانی آنها تاثیر منفی می گذارد. او از نظریه ی چلبی به عنوان مبنای طرح خود استفاده کرده است.

طرح های پژوهشی

مریم قاضی نژاد در سال ۱۳۹۲، در پژوهشی با عنوان "طرد اجتماعی جوانان، علل و پیامدها"، به بررسی و سنجش میزان و ابعاد طرد اجتماعی، علل و پیامدهای طرد جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر تهران پرداخته است. این تحقیق با روش پیمایش و با تکنیک پرسشنامه انجام پذیرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که حدود نیمی از جوانان در معرض خطر طرد بالای متوسط قرار دارند و در حال حاضر، در محرومیت های چندگانه ی عینی و ذهنی به سر می برند. همچنین پیامدهای اجتماعی-روانی طرد نیز در سطح بالایی قرار داشت. همچنین ثابت شد که میان طرد عینی و ذهنی و پیامدهای اجتماعی و روانی طرد، رابطه وجود دارد همچنین قوی ترین عوامل خطرزای مرتبط با طرد اجتماعی جوانان، دو عامل زمینه ای (تبعیض در خانواده و میزان تحصیلات والدین به خصوص مادر) و دو عامل واسط (ضعف سلامت عمومی و سکونت در مناطق شهری محروم) بودند.

غلامرضا غفاری و محمد باقر تاج الدین در سال ۱۳۸۳، در پژوهشی میدانی با عنوان "شناسایی مولفه های محرومیت اجتماعی"؛ موضوعاتی چون فقر، طرد و نابرابری را در رابطه با محرومیت اجتماعی مورد بررسی قرار داده اند. در این پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل عامل مولفه های مربوط به محرومیت که با هم دارای تجانس هستند مورد شناسایی قرار گرفته اند که عبارتند از: بیگانگی اجتماعی، احساس شهروندی، تعامل اجتماعی و رضایت از زندگی.

کتاب‌ها

مارتین زیبرا در کتابی با ترجمه ی سید حسن حسینی در سال ۱۳۸۵، با عنوان "نظریه های جامعه شناسی طرد شدگان اجتماعی" در بخش اول به تعریف مفهوم طرد و تئوری های جامعه شناسی کلاسیک، جامعه شناسی انحرافات و جامعه شناسی معاصر پرداخته است و سپس در بخش دوم با عنوان انطباق (شکل دهی) اجتماعی، پس از جمع بندی عناوین مذکور، به طرحی از پیوستگی اجتماعی پرداخته است. این اثر که با مقدمه ی ژولین فروند و ترجمه ی دکتر سید حسن حسینی و توسط انتشارات "آن" به مرحله ی چاپ و نشر رسیده است، می تواند برای محققان طرد اجتماعی، مفید واقع شود.

سید احمد فیروزآبادی و علیرضا صادقی در سال ۱۳۹۲، در کتابی با عنوان "طرد اجتماعی رویکردی جامعه شناختی به محرومیت" که توسط انتشارات جامعه شناسان به چاپ رسیده است، در بخش اول به بررسی مباحث نظری طرد (تعاریف و نظریه های موجود) و سپس در بخش بعدی به پژوهش های تجربی در ایران پرداخته اند. تالیف مذکور نیز می تواند برای علاقمندان حوزه ی طرد اجتماعی، مثمر به ثمر باشد.

مقالات

علیرضا محسنی تبریزی در سال ۱۳۷۰، در مقاله ای با عنوان "بیگانگی (مفهوم سازی، گروه بندی تئوری ها در حوزه ی جامعه شناسی و روان شناسی)" با استفاده از روش های اسنادی به مرور تاریخچه ی بیگانگی و ارائه ی تعاریف مفهومی از آن، نحوه ی کاربرد، علل، موضوعات و اشکال بیگانگی در دیدگاه های مختلف پرداخته و در آخر به این نتایج دست یافته است: اشاره به کاستی های تعاریف جامعه شناختی و روانشناختی پدیده ی بیگانگی، لزوم بررسی عوامل اجتماعی و روانی در ارتباط با هم، جهت روشن ساختن پدیده ی مزبور.

فریبا سیدان و بهار ضمیران در سال ۱۳۸۷، در مقاله ای با عنوان "بررسی رابطه ی طرد اجتماعی و سلامت زایمان زنان" به بررسی اثرات طرد اجتماعی بر سطح سلامت زایمان زنان ایرانی پرداخته اند. نتایج این تحقیق که به روش پیمایش و با بهره گیری از تکنیک پرسشنامه انجام پذیرفته است، نشان دهنده ی آن است که بین میزان سلامت زایمان زنان و میزان طرد اجتماعی و ابعاد آن شامل طرد مدنی، طرد از رفاه اجتماعی، طرد از تولید اجتماعی و طرد اقتصادی رابطه ی معناداری وجود دارد. همچنین انزوای اجتماعی و هر یک از ابعاد آن شامل احساس یاس، عجز و تنهایی با سلامت زایمان رابطه ی معناداری دارد.

مهدی طالب، سید احمد فیروزآبادی، حسین ایمانی جاجرمی و علیرضا صادقی در سال ۱۳۸۷، در مقاله ای با عنوان "تحلیل شعارهای تبلیغاتی هشتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران با رویکرد طرد اجتماعی"، در تلاش برای پاسخ به این سوال که توجه به گروه های هدف در بین کاندیداهای منفرد، تشکل ها، گروه های اصلی سیاسی و منتخبین در هشتمین دوره ی انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران به چه صورت بوده است؟، از میان کاندیداهای احزاب و تشکل های شرکت کننده در انتخابات هشتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، نمونه گیری انجام داده اند و با روش تحلیل محتوای شعارهای انتخاباتی، به بررسی موضوع مذکور پرداخته اند. ایشان در این تحقیق از مباحث نظری گروه های هدف در نظریه های مربوط به سیاست های اجتماعی و رفاهی بهره برده اند و دریافتند که در بین هشت گروه هدف- کودکان، زنان، جوانان، سالخوردگان، فقرا، اقلیت های قومی و دینی، بازنشستگان و معلولان- بیشترین توجه کاندیداهای منفرد و احزاب، به جوانان و زنان و سپس با اهمیتی کمتر از این دو گروه، فقرا بوده است. بقیه نیز به ترتیب از اهمیتی کمتر برخوردار بوده و مورد کم توجهی و حتی بی توجهی کاندیداهای احزاب قرار گرفته اند. کمیت بالا و در نتیجه حجم آرای تاثیرگذار گروه های جوان و زنان از یک طرف و نیز نفوذپذیری و امکان جلب آرای آنان در مقایسه با سایر گروه های هدف، از جمله دلایلی است که بر اساس آن می توان توجه بیشتر کاندیداهای احزاب به جوانان و زنان را نسبت به سایر گروه های هدف تبیین نمود.

سیدحسن حسینی و فاطمه صفری در سال ۱۳۸۷، در مقاله ای با عنوان "معلولیت، فقر و طرد اجتماعی" به بررسی وجود تبعیض و طرد اجتماعی افراد معلول پرداخته اند و با بهره گیری از روش های اسنادی و تجزیه و تحلیل ثانوی داده های سازمان بهزیستی و مرکز آمار ایران به این نتیجه رسیدند که افراد معلول جامعه ی ایران در شمار فقیرترین و مطرودترین افراد جامعه قرار دارند.

اسماعیل بلالی در سال ۱۳۸۹، در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی اقوام در آینه ی آمار و زیرعنوان بررسی بودجه های استان های ترک نشین و کرد نشین" به بررسی ادعای نابرابری قومی از سوی اقوام کرد و ترک پرداخته است. این مقاله به بررسی تخصیص بودجه های استان های ترک نشین و کردنشین و مقایسه ی آن با بودجه ی استان تهران و برخی استان های فارس نشین پرداخته است. چارچوب نظری این مقاله بر اساس نظریه ی طرد اجتماعی استوار است. نتایج بررسی نشان می دهد که تخصیص بودجه ی این استان ها نه تنها تفاوت زیادی با هم ندارد بلکه نمودارها در برخی موارد نشان دهنده ی بودجه های بالاتر این استان هاست.

غلامرضا غفاری و رضا امیدی در سال ۱۳۸۹، در پژوهشی با عنوان "چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه ی مطرودیت اجتماعی"، سعی کرده اند چگونگی چرخش نظری تجربه شده از فقر به طرد اجتماعی را از نظر تاریخی و با روش اسنادی، تحلیل کنند. استدلال آنها اشاره به پویایی مفهوم طرد اجتماعی داشت که با در برداشتن ابعاد متفاوت، گزینه ی مناسبی برای بررسی تغییرات ساختاری به نظر می رسد.

رحمت الله صدیق سروستانی و آرش نصر اصفهانی در سال ۱۳۸۹، در مقاله ای تحت عنوان "اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران، پژوهشی کیفی"، به بررسی علل و ریشه های پدیده ی کارتن خوابی با استفاده از رویکرد "مسیر بی خانمانی" پرداخته اند. داده ها از طریق مصاحبه ی عمیق با سی و دو کارتن خواب مرد در شهر تهران انجام پذیرفته است و با استفاده از روش تئوری مبنایی مراحل کار تدوین و نتایج تحلیل شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سه مساله ی مهم اعتیاد به مواد مخدر، ناتوانی جسمی و روانی و عدم تطابق با محیط پس از مهاجرت از عوامل تسهیل کننده ی ورود افراد به مسیر بی خانمانی هستند.

سیداحمد فیروزآبادی و علیرضا صادقی در سال ۱۳۸۹، در مقاله ای با عنوان "وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی" با استفاده از روش کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه) در پی فهم و سنجش ابعاد طرد در میان زنان فقیر روستایی برآمده اند. نتایج بیانگر این است که طرد و محرومیت انباشتی زنان به گونه ای فرایندی با پیشینه و گذشته ی آنها، ویژگی های فردی، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین نسلی و با برخی وقایع خاص در ارتباط است. علاوه بر آن عوامل اجتماعی و فرهنگی (غیر درآمدی) متعددی در به حاشیه راندن زنان از جریان اصلی اجتماع نقش دارند که به نوبه ی خود می تواند خروج از فقر و محرومیت را برای آنان دشوار سازد.

سیداحمد فیروزآبادی و علیرضا صادقی در سال ۱۳۸۹، در مقاله ای با عنوان "مطالعه ی ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار" در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت با به کارگیری تلفیقی از روش های کمی و کیفی به مطالعه ی وضعیت زنان روستایی سرپرست خانوار بر حسب مولفه ها و متغیرهای طرد اجتماعی پرداخته اند. نتایج مقایسه ی وضعیت طرد اجتماعی در میان دو گروه زنان بومی و مهاجر حاکی از آن است که زنان فقیر، از نظر حمایتی از شبکه درون گروهی قوی تری برخوردارند و در فعالیت های اجتماعی غیر رسمی، مشارکتی فعال تر نسبت به همتایان مهاجر خود دارند. همچنین زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل، از شبکه ی حمایتی بین گروهی قوی تر و ناهمگون تری برخوردارند و فعالیت اقتصادی این دسته از زنان، شعاع حمایتی گسترده تر و منابع حمایتی بیشتری را برای آنها فراهم کرده است.

احمد مسلمی در سال ۱۳۸۹، در مقاله ای تحت عنوان "اصلاح سیاست های اجتماعی، جهانی شدن و طرد اجتماعی و راهبردهای جدید کاهش فقر" به مرور کتابی تحت عنوان مذکور به قلم "آریان دوهان" پرداخته است. اطلاعات این کتاب، ماحصل بررسی هایی در بیست کشور آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین است که به روند رفاه و نابرابری جهانی می پردازد و اینکه با وجود جهانی شدن، حتی در کشورهای موفق نیز برخی گروه ها نادیده گرفته می شوند. در این کتاب پس از بررسی سیاست گذاری اجتماعی از جنبه های گوناگون، مولف در پایان، با فراهم آوردن چارچوبی نظری که دارای مولفه های هنجاری و حقوق محور است، نقطه ی عزیمت تحلیل خود را توافقات بین المللی قرار می دهد و ضمن تاکید بر فرآیندی بودن سیاست اجتماعی (تاکید بر شیوه هایی که سیاست گذاری اجتماعی، فرآیند طرد و ادغام را شکل می دهد)، سیاست های اجتماعی را بر اساس معیارهای کیفیت، اهمیت و مشارکت، مورد ارزیابی قرار می دهد.

مهدی قدیمی و حامد قاسمی در سال ۱۳۹۰، در مقاله ای با عنوان "بررسی تاثیر احساس محرومیت نسبی و بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه های شهر زنجان)" به بررسی وجود احساس امنیت در میان دانشجویان پرداخته اند. در این تحقیق که با روش میدانی با استفاده از پرسشنامه و نظریات رابرت ماندل، نظریه ی مقایسه ی اجتماعی لئون فستینگر، ملوین سیمن، ادگار فردینبرگ نگاشته شده است به این نتیجه دست یافتند که درک و تصور دانشجویان شهر زنجان از امنیت، در حد متوسط به بالاست و میزان احساس امنیت، در حد قابل قبولی قرار دارد.

سوسن باستانی، فاطمه رهنمای و مریم قاضی نژاد در سال ۱۳۹۲، در مقاله ای تحت عنوان "طرد اجتماعی (مورد مطالعه، طرد ذهنی و عینی سالمندان شهر تهران)" بر سنجش طرد ذهنی و عینی و تعیین سطوح آنها با روش پیمایش پرداخته اند که نظریه ی طرد سالمندان اسمیت، تحقیقات شارف، نظریه ی لاوتن از نظریات عمده ی مورد استفاده در آن است. نتیجه ی تحقیق مزبور آن بود که با افزایش طرد اجتماعی عینی، احساس طرد نیز افزایش می یابد.

اکبر زارع شاه آبادی و مستانه بلگوریان در سال ۱۳۹۲، در مقاله ای با عنوان "بررسی رابطه ی طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد" به بررسی رابطه ی میان طرد شدگی و بزهکاری در نمونه ی مزبور پرداخته اند. این پیمایش به روش نمونه گیری ساده ی تصادفی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام پذیرفته است. نتایج حاکی از آن است که میان میزان طردشدگی و میزان درآمد خانواده و نوع شغل پدر و بزهکاری رابطه ی معناداری وجود دارد و هر چه احساس طرد شدگی بیشتر می شود، میزان بزهکاری نیز افزایش می یابد.

زهرا فرضی زاده در سال ۱۳۹۳، در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی دختران مجرد روستایی" در پی بررسی فرایندهای موجد طرد اجتماعی دختران مجرد روستایی، وضعیت کنونی شان و پیامدهای طرد اجتماعی آنهاست. ایشان از روش مشاهده ی مشارکتی و مصاحبه های نیمه سازمان یافته ی فردی جهت جمع آوری اطلاعات و برای تحلیل نیز از روش نظریه ی بنیانی استفاده کرده اند. نگاه ها و حرف های تحقیرآمیز، ترحم سایرین، گسترش شایعات، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، انزجار، رنج، بیماری جسمی، افسردگی و نگرانی از آینده برخی از مسائل دختران مزبور است. انزوا، ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره ی خانواده و خویشاوندان، عدم حضور در اجتماع به منظور شرکت در مراسم، اشتغال، یادگیری مهارت و گذران اوقات فراغت از پیامدهای وضعیت فوق است.

اکرم حمیدیان، محمد جواد زاهدی، امیرملکی و ابراهیم انصاری در سال ۱۳۹۴، در مقاله ای با عنوان "بررسی رابطه ی نابرابری های اقتصادی- اجتماعی و طرد اجتماعی گروه ها در کلانشهر اصفهان"، به مطالعه ی احساس طرد در میان مهاجران و حاشیه نشینان با روش مقایسه ای و تطبیقی به مدد پیمایش و نظریات نابرابری چارلز تیلی و استفاده از دو رهیافت کارکردگرایی و تضادی پرداخته اند که در نتیجه ی آن نیمی از جمعیت در توزیع متغیر های طرد اجتماعی در وضعیت متوسط قرار دارند و نیمی دیگر در دو سر طیف. تفاوت طرح مزبور با پژوهش حاضر در آن است که این تحقیق با تاکید بر حاشیه نشینان و بالاخص مهاجران اعم از جوان، میانسال و سالمند انجام گرفته است.

عبدالرضا نواح، سید عبدالحسین نبوی و خیری حیدری در سال ۱۳۹۶، در مقاله ای با عنوان "قومیت و احساس طرد اجتماعی: مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز)" در بررسی مساله ی هویت قومی در ارتباط با برخی مولفه های طرد اجتماعی به روش پیمایش، به این نتایج دست یافتند: وجود ارتباط معنی دار بین سن، جنس و تحصیلات با احساس طرد اجتماعی همچنین وجود ارتباط معکوس و معنادار بین متغیرهای جامعه پذیری، همبستگی و هنجارهای قومی با متغیر ملاک؛ و در آخر رابطه ی مستقیم و معناداری میان متغیر تبعیض قومی با احساس طرد اجتماعی، مشاهده شد.

محمدجواد زاهدی، پروانه دانش، فیروز راد و رضا مجرب قوشچی در سال ۱۳۹۶، در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری (مطالعه ی موردی: زنان فقیر شهری تحت پوشش کمیته ی امداد شهرستان ارومیه)" به جست و جوی ریشه های طرد اجتماعی در زندگی نمونه ی مذکور پرداخته اند. در این تحقیق کیفی، داده ها از روش مصاحبه ی عمیق به دست آمده است و نتایج به دست آمده با رهیافت تحلیلی تئوری زمینه ای، نشان دادند که پنج مقوله ی عمده در شکل گیری طرد اجتماعی نقش دارند که عبارتند از «ضعف سرمایه ی فرهنگی»، «محدودیت های مادی»، «رویکرد منفی به فقرا»، «طرد ناشی از تجرد» و «حوادث منفی زندگی». دو مقوله ی عمده ی «اجتناب از ادغام اجتماعی» و «عواطف منفی» از پیامد های این مسأله اند که باعث تقویت و تداوم طرد اجتماعی می شوند. در خصوص شیوه های ایجاد طرد اجتماعی، شکل های بسیار ظریفی از خوارسازی و محرومیت در زندگی زنان فقیر وجود دارد که با رویکردهای کمی یا اقتصادی قابل شناسایی نیستند.

پیشینه ی خارج از کشور

هیلاری سیلور در سال ۱۹۹۴، در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی و انسجام اجتماعی: سه پارادایم" سه پارادایم اصلی برای طرد مشخص کرده است (که در قسمت مبانی نظری توضیح داده خواهد شد). ایشان با ابزار پرسشنامه، علاوه بر دسته بندی مذکور، به این نتیجه رسیدند که طرد، معانی مختلف برای افراد مختلف دارد.

جان باینر در سال ۱۹۹۹، در مقاله ای تحت عنوان "خطرپذیری و نتایج طرد اجتماعی" به بررسی و روشنگری مفهوم طرد در داده های طولی و زمانی پرداخته است. قصد او از بررسی این داده ها در درجه اول آزمون مفهوم طرد اجتماعی و ارتباط آن با ایده ی ریسک و حفاظت بود و در بخش بعدی نیز همین موارد را در دوران کودکی بررسی کرده است. در بخش دوم تحقیق که خود متشکل از دو قسمت است داده های جزئی تر در ارتباط با مساله مذکور در دوران کودکی و همچنین الگوهای دوران زندگی در بزرگسالی که منجر به طرد اجتماعی می شوند، بررسی شده است. ایشان در نهایت به این نتیجه رسیدند که هیچ مسیر خطی پیش بینی پذیری از نوع مشخصی از طرد اجتماعی به دیگری وجود ندارد.

جیتی برنندسما در گزارشی از یک طرح پژوهشی در سال ۲۰۰۰، با عنوان "آموزش و پرورش، برابری و طرد اجتماعی" در مروری از تحقیقاتی با این عناوین و ارزیابی نتایج این گونه پروژه ها در مقیاسی وسیع تر کوشیده تا تعاریف کاملی از مفاهیم و فرآیندهای مفاهیم فوق ارائه دهد و سپس تحقیقات موجود در رابطه با این مفاهیم و فرآیندها را بررسی کرده است. در پایان نامه ی حاضر به سبب ضرورت اجمال، مجال ذکر تمامی نتایج تحقیق وجود ندارد صرفا به این حد اکتفا می شود که ایشان در نتایج تحقیق پیشنهاداتی جهت بهبود سیاست های کلان در مناطق اروپایی ارائه کرده اند.

دیو مدیمن در سال ۲۰۰۰ در مقاله ای با عنوان "تئوری های طرد اجتماعی و کتابخانه های عمومی" به بررسی طرد اجتماعی در ارتباط با اصطلاح ادغام اجتماعی و دلالت های آن برای کتابخانه های عمومی همراه با مرور پیشرفت مفهوم طرد اجتماعی و ارزیابی شدت و ضعف آن به عنوان راهی برای توصیف دسته بندی اجتماعی پرداخته است. او پس از بررسی اسنادی تحقیقات انجام شده در این زمینه، به تعریف جوانب طرد در بریتانیا و ارتباط این جوانب با گذار از جامعه ی صنعتی به جامعه ی اطلاعاتی می پردازد و در آخرین بخش از مقاله، مفاهیم مبحث طرد اجتماعی را برای کتابخانه های عمومی مورد بررسی قرار می دهد و در نهایت استنتاج می کند کتابخانه ها برای اینکه تاثیر معناداری در فقر و نابرابری داشته باشند به ابتکاراتی در خط مشی، نیاز دارند.

گلن سی لوری در سال ۲۰۰۰ در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی و گروه های قومی: چالشی برای اقتصاد" به مفهوم طرد اجتماعی و بحث هایی پیرامون سودمندی این مفهوم در مطالعه ی گروه های قومی و رادیکال در دولت مدرن ملی پرداخته و با مطالعه ی قوانین و آمارهای مربوط به موضوع مورد بحث به نتایجی جهت بهبود کیفیت زندگی گروه های قومی خصوصا سیاه پوستان آمریکا دست یافته است.

روهی سیز^۱ در سال ۲۰۰۱ در مقاله ای با عنوان "طرد اجتماعی: مفهوم و کاربرد (طرد اجتماعی) در کشورهای در حال توسعه"، مدعی است که امکان عملیاتی کردن مفهوم طرد اجتماعی در کشورهای در حال توسعه را به بررسی کشیده است، و همچنین به طور مختصر از ریشه های این رویکرد در ارتباط با رفاه، بیکاری و گسترش آن در اروپای غربی و کشورهای در حال توسعه سخن گفته است. ایشان از طریق بررسی چند طرح تحقیقاتی و نیز به مدد مطالعاتی تاریخی در خصوص مفهوم طرد، نشان داده که این مفهوم در کشورهای در حال توسعه و صنعتی شده به مفهومی فراتر از فقر پولی حرکت کرده است. به نظر او مفهوم فقر در این کشورها از مفهوم سازی هایی که بیشتر جنبه ی اقتصادی دارند به سوی مفاهیم پیچیده تر انسانی، از جمله حقوق اجتماعی و سیاسی و قابلیت های افراد حرکت کرده است. او در ادامه اذعان می کند که به رغم تفاوت در طبیعت مسائلی که با آنها مواجه هستیم، دیدگاه های مربوط به فقر تا حدی در جهت اموری که به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مربوط هستند، حرکت کرده است، بدین گونه که در کشورهای صنعتی، مفهوم طرد اجتماعی

^۱ Ruhi Saith